بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودناتوان‌سازی

محمود حیدری[1]، محمد کریم خداپناهی[2]، محسن دهقانی[3]

چکیده

زمینه و هدف: خودناتوان‌سازی به عنوان راهبردی تعریف می‌شود که فرد برای توجیه شکست احتمالی خود با دست‌کاری، موقعیت عذری ایجاد می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند این رفتار در موقعیت‌هایی که برای فرد مهم است، مانعی برای موفقیت می‌شود. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودناتوان‌سازی تاکنون در ایران مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس مذکور بود.

مواد و روش‌ها: طرح پژوهش از نوع توصیفی (همبستگی) بود که در یک نمونه ۶۵۰ نفری از دانشجویان کارشناسی دانشگاه که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، اجرا گردید. ابزار پژوهش، نسخه اصلی مقیاس خودناتوان‌سازی (۲۵ ماده‌ای) و سیاهه عزت نفس روزنبرگ بود. داده‌های جمع‌آوری شده با روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی، آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی پیرسن مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تحلیل عاملی اکتشافی داده‌ها نشان داد که ۲۳ ماده از مقیاس بر روی سه عامل "خلق منفی"، "تلاش"، و"عذرتراشی" بار می‌شوند. بر اساس نظریه، جمع نمره خلق منفی با نمره معکوس تلاش نشان دهنده خودناتوان‌سازی رفتاری و جمع نمره خلق منفی با عذرتراشی نشان دهنده خودناتوان‌سازی ادعایی است. آلفای کرونباخ عوامل از ۰/۶ تا ۰/۷۲ و برای کل مقیاس ۰/۷۷ می‌باشد. ضریب پایایی ۰/۸۴ است که نشان دهنده پایایی مقیاس خودناتوان‌سازی است. همچنین ضریب همبستگی نمره خودناتوان‌سازی با نمره عزت نفس ۰/۵۴- می‌باشدکه نشان دهنده روایی توافقی مقیاس مذکور است.

نتیجه‌گیری: مقیاس فارسی ۲۳ ماده‌ای خودناتوان‌سازی، اعتبار و روایی مناسبی دارد و برای سنجش خودناتوان‌سازی معتبر است. پیشنهاد می‌شود ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس مذکور در نمونه‌های غیر دانشجویی نیز بررسی شود.

واژه‌های کلیدی: مقیاس خودناتوان‌سازی، خودناتوان‌سازی رفتاری، خودناتوان‌سازی ادعایی، ویژگی‌های روان‌سنجی.

نوع مقاله: تحقیقی

دریافت مقاله: ۸۸/۱/۲۳ پذیرش مقاله: ۸۸/۵/۱۱

مقدمه

ترس از شکست می‌تواند باعث تمایل به انجام کارهای بسیار دشوار و یا کارهای بسیار آسان شود. در حالی که افراد واجد انگیزش پیشرفت، کارهایی را ترجیح می‌دهند که درجه دشواری آن‌ها در حد متوسط است (۱). Berglas و Jones

۱- مربی و دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
E-mail: mahmood.heidari@gmail.com

۲- استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]
www.mui.ac.ir

معتقدند افرادی که ترس از شکست دارند برای حفاظت از عزت نفس خود موقعیت‌هایی را انتخاب می‌کنند که در آن، موفقیت به توانمندی خودآن‌ها و شکست به عوامل بیرونی نسبت داده شود. از این رو افراد خودناتوان‌ساز به طور عمدی خود را در موقعیت نامناسبی قرار می‌دهند که شکست خویش را به دلیل وجود آن موقعیت نامساعد بدانند و اگر در چنین شرایطی موفق شدند آن را حاصل توانمندی خویش بدانند. خودناتوان‌سازی (Self-handicapping) از نظر Berglas و Jones به معنای ایجاد یا ادعای وجود مانع برای عملکرد موفقیت‌آمیز است، که در صورت شکست، موانع موجود علت شکست تلقی شوند و فرد سرزنش نگردد (۲). افرادی که قبل از امتحان تمرین کافی انجام نمی‌دهند یا ادعا می‌کنند که دچار یک مشکل ناتوان کننده شده‌اند (۳) یا روحیه خوبی ندارند (۴) از جمله مثال‌های خودناتوان‌سازی هستند.

تلاش ناکافی و مصرف دارویی، که روی عملکرد فرد تأثیر بد دارد، از دیگر شکل‌های رفتاری خودناتوان‌سازی است که به آن خودناتوان‌سازی رفتاری (Behavioral self-handicapping) می‌گویند. از طرف دیگر ادعای داشتن استرس یا خلق بد که مانعی برای انجام موفقیت‌آمیز تکالیف است، خودناتوان‌سازی ادعایی (Claim self-handicapping) محسوب می‌شود (۴). افراد وقتی نمی‌توانند عملکرد مطلوبی داشته باشند، ممکن است سعی کنند شرایط را به گونه‌ای تغییر دهند که عملکرد آن‌ها موجب احساس شرمندگی نشود، این افراد اغلب با چنین کارهایی برای شکست خود عذری پیدا می‌کنند (۵). بهانه و عذر موقعی آورده می‌شود که شخصیت یا عمل فرد مورد سؤال و تردید قرار می‌گیرد و یا این که فرد پیش‌بینی می‌کند به خاطر اعمال یا رفتارش مورد سؤال قرار می‌گیرد. اعمالی مانند تجاوز آشکار از قواعد و قوانین، شکست در وظایف و مسؤولیت‌ها یا اعمالی که در شأن فرد نیست، از جمله رفتارهایی هستند که وقتی مورد سؤال قرار می‌گیرند، فرد برای ارتکاب به آن‌ها عذرتراشی می‌کند. در ادبیات روان‌شناسی این سؤال مطرح شده است که آیا عذرتراشی فایده و کاربردی دارد؟ (۶). Higgins و Snyder می‌گویند عذرتراشی تأثیر زیادی در مقابله با عوارض و بازتاب‌های منفی شکست‌ها و سایر تهدیدهای مربوط به خود دارد. در موقع مواجهه با عوامل تهدید کننده‌ای مانند شکست، کسانی که از عذرتراشی استفاده می‌کنند در مقایسه با گروهی که دست به عذرتراشی نمی‌زنند اضطراب و خلق منفی کمتری دارند، افسردگی در آنان کمتر است و عزت نفس آن‌ها بیشتر حفظ می‌شود. همچنین عذرتراشی با بهداشت جسمی مانند عملکرد بهتر سیستم ایمنی بدن نیز رابطه دارد. ادبیات مرور شده نشان می‌دهد عذرتراشی توسط ایجاد اسناد بیرونی در کمینه کردن مسؤولیت شکست تأثیر دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عذرتراشی نه تنها در مواقع شکست موجب حفظ آبرو می‌شود (۷) بلکه با سازگاری روان‌شناختی بهتر، عزت نفس و حتی سلامت جسمی بالاتر مرتبط است (۸). با وجود این که عذرتراشی عملی پسندیده تلقی نمی‌شود، به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و به طور کلی عذرتراشی به عنوان ابزاری گمراه کننده، کم دوام و خودخواهانه است (۹).

به گفته Berglas و Jones رفتار خودناتوان‌سازی برای حفاظت از خود (Self–protect) و عزت نفس شکننده ایجاد می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند خودناتوان‌سازی با اضطراب امتحان، عذرتراشی، طفره رفتن، کم تلاشی، کمی تمرین کردن و آماده نبودن رابطه دارد (۱۰). می‌توان گفت استفاده از رفتار خودناتوان‌سازی موقعیت متناقضی را ایجاد می‌کند که در آن با وجود عملکرد ضعیف، عزت نفس حفظ می‌شود (۱۱). عزت نفس و اسناد دو سازه اصلی هستند که به لحاظ نظری با خودناتوان‌سازی رابطه دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هم عزت نفس بالا و هم عزت نفس پایین در موقعیت‌های مختلف با خودناتوان‌سازی رابطه دارد (۱۲). Kelley می‌گوید نسبت دادن شکست به عوامل خارج از کنترل فرد از قبیل شانس و یا موقعیت بد موجب حفاظت عزت نفس می‌شود. نسبت دادن موفقیت به عوامل درونی از قبیل سعی و تلاش و توانایی عزت نفس را افزایش می‌دهد، هر چند شواهد تجربی در مورد این رابطه متقاعد کننده نیست

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]

www.mui.ac.ir

(۱۲). خودناتوان‌سازی در ظاهر شباهت‌هایی با نظریه اسناد علّی دارد. نظریه اسناد علّی هایدر که در سال‌های ۱۹۵۸-۱۹۴۴ مطرح گردید به شرایطی مربوط است که در آن فرد مسؤول پیامدهای رفتاری خود شناخته می‌شود. بر اساس این نظریه، اسنادها تحت تأثیر خواسته‌ها و نیازهای فرد قرار دارند و به منظور حفظ و افزایش عزت نفس، سوگیری‌های اسنادی صورت می‌گیرد. بر این اساس موفقیت‌ها به توانایی‌ها و شکست‌ها به عوامل و شرایط بیرونی نسبت داده می‌شود. پذیرش و بسط نظریه اسناد در طول سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ موجب شد Berglas و Jones در سال ۱۹۷۸ با پژوهشی روی سوء مصرف کنندگان الکل، نشان دهند که افراد نه تنها نوعی دانش ضمنی از اصول اسنادی دارند بلکه به طور فعالانه محیط و رفتار خود را برای شکل دادن اسنادها دست‌کاری می‌کنند. آن‌ها با مشاهده فرآیندهای مشابه در افراد معتاد به الکل و مواد، از اصطلاح خودناتوان‌سازی برای این گونه رفتارها استفاده کردند (۳).

هر چند خودناتوان‌سازی رابطه نزدیکی با اسنادها دارد اما تفاوت مهمی نیز با آن‌ها دارد. خودناتونسازی راهبردی حفاظت کننده است که قبل از انجام اعمال و فعالیت‌ها رخ می‌دهد. خودناتوان‌سازی زمینه لازم برای اسناد را فراهم می‌کند اما خودش اسناد تلقی نمی‌شود. به عنوان مثال وقتی شخصی اظهار می‌کند که به دلیل خستگی نتوانسته است در کار خود موفق باشد از اسناد استفاده می‌کند، در حالی که وقتی فرد شب قبل از امتحان دیر می‌خوابد و دیر خوابیدن شب قبل را به عنوان عذری برای کاری که در آن موفق نخواهد شد به کار می برد، از راهبرد خودناتوان‌سازی استفاده کرده است (۱۳).

پژوهش‌های انجام شده بر روی خودناتوان‌سازی از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۷ نشان دادند که خودناتوان‌سازی با سازه‌های روان‌شناختی مختلفی همبستگی دارد. خودآگاهی اجتماعی، اضطراب اجتماعی و عزت نفس (۱۵، ۱۴)، ترس از شکست، روبه‌رویی با تهدید قدر و منزلت (۱۶)، ترس از نادان جلوه کردن (۱۳)، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و جنس (۱۷)، افسردگی، کم‌رویی، وظیفه شناسی (۱۸)، عزت نفس، کمال گرایی (۱۹)، عذرتراشی (۱۰) و فرزند پروری (۲۲-۱۹) از جمله متغیرهای مرتبط با خودناتوان‌سازی هستند. با توجه به تأثیر و رابطه خودناتوان‌سازی با بسیاری از رفتارها، نگرش‌ها و هیجان‌ها ساخت ابزاری معتبر برای اندازه‌گیری آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

علاقه به تشخیص کسانی که به خودناتوان‌سازی گرایش دارند، Jones و Rhodewalt را به ساختن مقیاس خودناتوان‌سازی تشویق کرد (۲۳). مقیاس اصلی خودناتوان‌سازی شامل ۲۵ ماده است که گرایش افراد به استفاده از راهبردهایی مانند عدم تلاش، تمارض، اهمال کاری، آشفتگی هیجانی و نگرانی در مورد پیشرفت را ارزیابی می‌کند. Rhodewalt ساختار عاملی این مقیاس را مورد بررسی قرار داد و به دو زیر مقیاس "عذرتراشی" (Excuse making) و "تلاش" (Effort) با ۱۴ ماده دست یافت (۲۴). زیر مقیاس عذرتراشی گرایش به ایجاد عذر و بهانه قبلی برای عملکردی که قرار است ارزیابی شود را اندازه‌گیری می‌کرد که در اصطلاح به آن خودناتوان‌سازی ادعایی گفته می‌شود. زیر مقیاس تلاش نشان دهنده عدم تلاش در موقعیت‌هایی است که نیازمند کوشش و آمادگی قبلی است که به آن خودناتوان‌سازی رفتاری گفته‌اند (۲۵).

هر دو نسخه ۲۵ ماده‌ای و تجدید نظر شده ۱۴ ماده‌ای خودناتوان‌سازی در پژوهش‌ها به کار رفته‌اند. این پژوهش‌ها سودمندی مقیاس خودناتوان‌سازی را برای پیش‌بینی علایم همبسته با آن نشان داده‌اند (۲۵). با توجه به توانایی متغیر خودناتوان‌سازی در پیش‌بینی موفقیت به خصوص در حوزه پیشرفت تحصیلی و نیز ارتباط آن با سازه‌های مختلف روان‌شناختی، دسترسی به ابزاری معتبر و پایا برای سنجش این ویژگی شخصیتی- رفتاری می‌تواند در شناسایی آن دسته افراد که واجد این ویژگی هستند، بسیار مفید باشد. شناسایی افراد واجد ویژگی خودناتوان‌سازی می‌تواند به دست‌اندرکاران مسایل آموزشی، تربیتی، درمانی و مدیریتی در پیش‌بینی و کنترل رفتارهای متأثر از خودناتوان‌سازی کمک نماید.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]
www.mui.ac.ir

مواد و روش‌ها

این پژوهش به روش توصیفی (همبستگی) طراحی شد. جامعه پژوهش دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی بودند و ابزار به کار برده شده در این پژوهش مقیاس ۲۵ ماده‌ای خودناتوان‌سازی و سیاهه عزت نفس روزنبرگ (Rozenberg self esteem inventory) بود. مقیاس خودناتوان‌سازی در سال ۱۹۸۲ توسط Jones و Rhodewalt ساخته شد. این مقیاس گرایش افراد به خود ناتوان‌سازی را با پاسخ‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف (۰ تا ۵) می‌سنجد. همبستگی مقیاس خودناتوان‌سازی با سازه‌های مرتبط با آن مانند عذرتراشی و کمی سعی و تلاش در یک نمونه ۲۴۵ نفری از ۰/۲۷ تا ۰/۶ و همسانی درونی آن از ۳۸/ ۰تا ۰/۷۰ گزارش شده است (۲۵).

مقیاس خودناتوان‌سازی توسط دو نفر از اساتید روان‌شناسی و مسلط به زبان و فرهنگ انگلیسی، ترجمه و ترجمه معکوس گردید. به منظور بررسی مفهوم بودن ماده‌های پرسش‌نامه برای پاسخ دهندگان و بررسی اعتبار و روایی مقیاس در طی سه مرحله، از جامعه پژوهش نمونه‌گیری شد. در مرحله اول برای بررسی مفهوم بودن ماده‌های ترجمه شده، دو کلاس شامل ۴۹ دانشجو به صورت تصادفی ساده انتخاب و از آنان خواسته شد که روی یک پیوستار ۱۱ درجه‌ای (از کاملاً مفهوم است تا اصلاً مفهوم نیست) نظر خود را در مورد ماده‌های مقیاس ارائه شده مشخص نمایند. در مرحله دوم برای برسی روایی سازه (Construct validity) مقیاس خودناتوان‌سازی، تعداد ۶۵۰ آزمودنی (۳۸۶ زن و ۲۶۴ مرد) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (Cluster sampling) از دانشجویان کارشناسی دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد و علوم سیاسی، مدیریت و حسابداری، مهندسی برق و کامپیوتر و علوم ریاضی که فاقد سابقه بیماری روانی بودند، انتخاب شدند. میانگین سن زنان ۲/۰۱ ± ۲۰/۵۷ و میانگین سن مردان ۲/۶ ± ۲۱/۶ بود. با کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص یا مخدوش تعداد نمونه به ۵۱۷ نفر رسید. در مرحله سوم برای بررسی پایایی مقیاس با روش آزمون مجدد، یک کلاس شامل ۳۹ دانشجو با روش تصادفی ساده انتخاب و مقیاس خودناتوان‌سازی و سیاهه عزت نفس در دو فاصله ۱۵ روزه بر روی آنان اجرا گردید.

سیاهه عزت نفس روزنبرگ که به منظور سنجش روایی توافقی مقیاس خودناتوان‌سازی در نظر گرفته شده بود شامل ۱۰ ماده بود که روی مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای به آن‌ها پاسخ داده می‌شد. روزنبرگ در سال ۱۹۶۵ برای ساخت این مقیاس، آن را روی ۵۰۲۴ دانش‌آموز دبیرستانی در ایالت نیویورک اجرا کرد و ضرایب پایایی و روایی آن را به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۷ به دست آورد (۲۶). علیزاده در سال ۱۳۸۲ این مقیاس را به فارسی ترجمه کرد و با اجرای آن روی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ضرایب پایایی و روایی آن را به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۴ گزارش کرد (۲۷).

یافته‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده از ۴۹ آزمودنی در مورد مفهوم بودن ماده‌های مقیاس نشان داد میانگین ۷/۸۹ تا ۹/۸۱، انحراف استاندارد ۰/۵۵ تا ۲/۵۸ و چولگی ۱/۲۸ تا ۵/۱۵ (۰/۳۴ ±) است. این شاخص‌ها، مبین مفهوم بودن ماده‌های مقیاس برای پاسخ دهندگان است. چولگی منفی ماده‌ها نیز نشان دهنده تجمع پاسخ آزمودنی‌ها در سمت راست پیوستار یعنی "مفهوم بودن" است.

روایی مقیاس خودناتوان‌سازی با استفاده از روایی سازه و روایی توافقی (Congruency validity) و پایایی آن با استفاده از همسانی درونی (Internal consistency) و باز آزمایی با فاصله زمانی بررسی شد.

روایی سازه مقیاس با روش تحلیل عوامل (Factor analysis) مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا مقیاس ۲۵ ماده‌ای اولیه با ساختار تک عاملی در نمونه ۵۱۷ نفری مورد تحلیل عاملی تأییدی قرار گرفت که با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده زیر، در مجموع مدل تک عاملی مقیاس خودناتوان‌سازی تأیید نشد.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]

www.mui.ac.ir

Chi Square = ۱۲۱۳۰ ،df = ۲۷۵ ،P < ۰/۰۰۱
،TLI = ۰/۴۰ ،CFI = ۰/۱۹ ،RMSEA = ۰/۸۰
NFI = ۰/۴۴

محاسبه شاخص کفایت نمونه‌برداری (Kaiser Meyer Olkin masseur) و آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's test of sphericity) بر روی داده‌های حاصل از اجرای مقیاس خودناتوان‌سازی نشان داد KMO برابر با ۰/۷۷ و رد فرض صفر در آزمون کرویت بارتلت (x^2 = ۱۹۳۲/۰۹۲ ،P < ۰/۰۰۱)، شرایط لازم برای تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس خودناتوان‌سازی وجود دارد. با توجه به این که ابعاد مختلف خودناتوان‌سازی مستقل از هم فرض شده‌اند، از روش متعامد (Orthogonal) با چرخش واریماکس (Varimax rotation) استفاده شد. در ابتدا حداقل بار عاملی ۰/۳ تعریف شد. نتایج نشان داد که سه عامل قابل استخراج است. بررسی نمودار اسکری از این استدلال حمایت می‌کند؛ به دلیل این که ماده‌های ۳ و ۱۷ بر روی عامل دوم و سوم و ماده ۱ نیز بر عامل اول و دوم بار مضاعف داشتند، حداقل بار عاملی به ۰/۳۴ افزایش پیدا کرد. با این تغییر در نهایت ۲۳ ماده از مقیاس مورد بررسی با بار عاملی بیشتر از ۰/۳۴ در سه عامل جای می‌گیرند که در مجموع ۱۳/۳۲٪ واریانس کل را تبیین می‌کنند. ماده‌های ۲۰ و ۲۲ مقیاس روی هیچ یک از عوامل بار نشدند و حذف گردیدند. عوامل استخراج شده با توجه به محتوای ماده‌ها به ترتیب خلق منفی (Negative mood)، تلاش و عذرتراشی نام‌گذاری شدند. در جدول شماره ۱ بار عاملی ۲۳ ماده باقی‌مانده آورده شده است.

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی مقیاس خودناتوان‌سازی

عامل ۱ (خلق منفی)		عامل ۲ (تلاش)		عامل ۳ (عذرتراشی)	
ماده	بار عاملی	ماده	بار عاملی	ماده	بار عاملی
۷	۰/۷۰۴	۶	۰/۶۲۲	۲	۰/۶۴۱
۹	۰/۷۰۰	۵	۰/۶۱۹	۱۸	۰/۵۳۹
۴	۰/۶۲۱	۲۲	۰/۵۷۹	۱۱	۰/۵۱۶
۸	۰/۶۱۷	۳	۰/۵۶۴	۱۲	۰/۴۶۳
۲۳	۰/۵۳۸	۱۷	۰/۴۷۶	۱۴	۰/۴۵۱
۱۹	۰/۴۸۷	۲۱	۰/۴۳۴	۱	۰/۴۳۹
۱۵	۰/۴۲۴	۱۰	۰/۳۴۲	۱۶	۰/۴۳۲
۲۰	۰/۳۷۴				
۱۳	۰/۳۴۲				

بر اساس تعریف و مبانی نظری خودناتوان‌سازی، ترکیب عامل خلق منفی با معکوس شده عامل تلاش نشان دهنده خودناتوان‌سازی رفتاری و ترکیب عامل خلق منفی با عامل عذرتراشی نشان دهنده خودناتوان‌سازی ادعایی است. جمع نمرات عامل‌های خلق منفی و عذرتراشی با نمره معکوس شده تلاش نشان دهنده خودناتوان‌سازی کلی است.

نتایج همبستگی مقیاس خودناتوان‌سازی با سیاهه عزت نفس روزنبرگ در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی عامل‌ها، زیر مقیاس‌ها و نمره کلی خودناتوان‌سازی با عزت نفس

متغیر	خلق منفی	تلاش	عذرتراشی	خودناتوان‌سازی رفتاری	خودناتوان‌سازی ادعایی	خودناتوان‌سازی کلی
	−۰/۴۷	۰/۴۲	−۰/۵۲	−۰/۴۱	−۰/۶۲	−۰/۵۴
عزت	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
نفس	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹

جدول ۳. آلفای کرونباخ عوامل سه‌گانه، زیر مقیاس‌ها و خودناتوان‌سازی کلی

	خلق منفی	تلاش	عذرتراشی	خودناتوان‌سازی رفتاری	خودناتوان‌سازی ادعایی	خودناتوان‌سازی کلی
تعداد ماده‌ها	۹	۷	۷	۱۶	۱۶	۲۳
آلفای کرونباخ	۰,۷۲	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۷	۰/۷۶	۰/۷۷

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]
www.mui.ac.ir

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد عوامل استخراج شده از مقیاس خودناتوان‌سازی، زیر مقیاس‌های خودناتوان‌سازی و خودناتوان‌سازی کلی با عزت نفس همبستگی معنی‌داری دارند که بیانگر روایی توافقی مقیاس خودناتوان‌سازی است.

همسانی درونی عوامل استخراج شده از مقیاس خودناتوان‌سازی و کل مقیاس با آلفای کرونباخ محاسبه گردید. نتایج در جدول شماره ۳ آمده است.

پایایی عوامل سه‌گانه استخراج شده و کل مقیاس با روش آزمون مجدد با فاصله زمانی ۱۵ روز از طریق محاسبه ضریب همبستگی نمرات حاصل از دوبار اجرای مقیاس خودناتوان‌سازی بررسی شد. نتایج در جدول شماره ۴ آمده است.

نتایج نشان داد که ضرایب همبستگی بین عوامل، زیر مقیاس‌ها و خودناتوان‌سازی کلی در اجرای با فاصله زمانی معنی‌دار است ($P < ۰/۰۱$)، بنابراین مقیاس از پایایی مناسبی برخوردار است.

رتبه‌های درصدی و نمرات استاندارد T مربوط به خودناتوان‌سازی رفتاری و ادعایی در جدول ۵ آمده است. داده‌های جدول نشان می‌دهد که نمره بالاتر از ۳۵ در خودناتوان‌سازی رفتاری و نمره بالاتر از ۴۰ در خودناتوان‌سازی ادعایی، نشان‌دهنده خودناتوان‌سازی بالاتر از حد متوسط است.

جدول ۴. ضریب همبستگی عوامل سه‌گانه، زیر مقیاس‌ها و نمره کل مقیاس خودناتوان‌سازی در فاصله زمانی ۱۵ روزه

	خلق منفی	تلاش	عذرتراشی	خودناتوان‌سازی رفتاری	خودناتوان‌سازی ادعایی	خودناتوان‌سازی کلی
ضریب همبستگی	۰/۷۷	۰/۴۷	۰/۸۰	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۸۶
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹

جدول ۵. رتبه درصدی و نمره استاندارد T معادل نمرات خام خودناتوان‌سازی

خودناتوان‌سازی رفتاری			خودناتوان‌سازی ادعایی		
نمره	رتبه درصدی	T	نمره	رتبه درصدی	T
۰-۲۵	۰-۹/۷	۰-۳۶/۱۳	۰-۲۵	۰-۱۰/۳	۱۵/۵۹-۳۷/۳
۲۶	۲۱/۳	۴۱/۲۸	۳۰	۱۹/۹	۴۰/۴۶
۲۹	۳۲/۰	۴۳/۳۵	۳۳	۳۰/۰	۴۳/۸۹
۳۲	۴۱/۲	۴۷/۴۸	۳۶	۴۰/۶	۴۶/۴۶
۳۵	۵۰/۵	۴۹/۵۴	۴۰	۵۰/۷	۴۹/۸۹
۳۷	۶۰/۲	۵۱/۶۰	۴۳	۵۹/۶	۵۲/۴۶
۳۹	۶۹/۲	۵۳/۶۷	۴۶	۷۱/۰	۵۵/۰۴
۴۲	۸۰/۱	۵۶/۷۶	۵۰	۸۱/۷	۵۸/۴۷
۴۶	۹۰/۳	۶۰/۸۹	۵۵	۸۹/۷	۶۲/۷۶
۴۷-۷۵	۹۱/۳-۱۰۰	۶۱/۹۲-۱۰۰	۵۶-۷۵	۹۲/۱-۱۰۰	۶۳/۶۱-۱۰۰

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]

www.mui.ac.ir

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که ۲۳ ماده از ۲۵ ماده مقیاس خودناتوان‌سازی روی سه عامل جای می‌گیرند؛ عامل اول با ۹ ماده نشان دهنده خلق منفی، عامل دوم با ۷ ماده نشان‌گر تلاش و عامل سوم با ۷ ماده نشانگر عذرتراشی است. نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهشی که Rhodewalt در سال ۱۹۹۰ روی ساختار عاملی مقیاس خودناتوان‌سازی انجام داد، همخوانی دارد. پژوهش او نشان داد که ۱۴ ماده از مقیاس خودناتوان‌سازی با بار عاملی بالاتر از ۰/۴۰ روی دو عامل جای می‌گیرند که عامل‌های به دست آمده را عامل عذرتراشی و عامل تلاش نامید (۲۴). پژوهش حاضر نشان داد که ۹ ماده از ۱۱ ماده باقی‌مانده مقیاس بر روی عاملی جای دارند که نشان دهنده خلق منفی است. Berglas و Jones یکی از منابع اصلی خودناتوان‌سازی را عزت نفس نامطمئن می‌دانند و معتقدند وقتی که فرد در معرض ارزیابی قرار می‌گیرد و دریافت تقویت‌های اجتماعی نیز وابسته به عملکرد است، نگران می‌شود و احتمال شکست هر چند که ضعیف هم باشد برایش سخت می‌شود (۲). Rhodewalt اضطراب اجتماعی را با خودناتوان‌سازی مرتبط می‌داند (۲۵) Zuckerman و همکاران بین خودناتوان‌سازی و مقابله اجتنابی همبستگی مثبت گزارش کردند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که در موقعیت‌های استرس‌زا انتظار می‌رود افراد خودناتوان‌ساز بر جنبه‌های منفی موقعیت متمرکز شوند و در مقابل چالش‌ها عقب نشینی کنند (۲۸). Ross و همکاران نشان دادند که یکی از کارکردهای افسردگی به عنوان شکلی کلی از خودناتوان‌سازی، کاهش مسؤولیت در مقابل شکست‌ها است (۱۸). Warner و Moore دریافتند دانشجویانی که از راهبردهای خودناتوان‌سازی بیشتر استفاده می‌کنند، هیجانات منفی بیشتری در آن‌ها دیده می‌شود و از طریق کناره‌گیری از مسایل به مقابله با فشارروانی می‌پردازند (۲۹). از این رو خلق منفی عاملی پایه‌ای در خودناتوان‌سازی است.

بر اساس تعاریف تلاش ناکافی از علایم بارز خودناتوان‌سازی رفتاری است و ادعای وجود موانع (عذرتراشی) از علایم خودناتوان‌سازی ادعایی است (۴). از این رو در این مقیاس جمع نمره عامل خلق منفی با نمره معکوس شده عامل تلاش نشان دهنده خودناتوان‌سازی رفتاری و نمره عامل خلق منفی به علاوه نمره عامل عذرتراشی نشان دهنده خودناتوان‌سازی ادعایی است و جمع نمره دو عامل خلق منفی و عذرتراشی با نمره معکوس شده عامل تلاش نشان دهنده خودناتوان‌سازی کلی است.

در این پژوهش همبستگی بالا و معنی‌دار عوامل، زیر مقیاس‌ها و نمره کل خودناتوان‌سازی با عزت نفس نشان دهنده روایی توافقی مقیاس خودناتوان‌سازی است. نتیجه به دست آمده با نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در مورد خودناتوان‌سازی، مبنی بر این که یکی از سازه‌های اصلی مرتبط با خودناتوان‌سازی عزت نفس است، همخوانی داشت (۱۴-۱۰).

ضریب همبستگی به دست آمده از اجرای مقیاس خودناتوان‌سازی با فاصله زمانی ۱۵ روزه نشان داد که عوامل، زیر مقیاس‌ها و نمره کل خودناتوان‌سازی در دو اجرا دارای همبستگی بالا و معنی‌دار از ۰/۴۷ برای عامل تلاش تا ۰/۸۶ برای نمره کل است که با نتایج حاصل از پژوهش Strube، در مورد تحلیل مقیاس خودناتوان‌سازی در ۱۹۸۶ که پایایی مقیاس را با روش آزمون مجدد ۰/۷۶ گزارش کرده بود، همخوانی داشت (۱۵).

بررسی اعتبار مقیاس خودناتوان‌سازی با روش بررسی همسانی درونی نشان دهنده آلفای ۰/۶ برای عوامل تلاش و عذرتراشی تا ۰/۷۷ برای نمره کل خودناتوان‌سازی است و با توجه به سایر ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس حاکی از همسانی درونی قابل قبولی است که با نتیجه به دست آمده آلفای ۰/۷۴ گزارش شده در پژوهش Strube همخوانی داشت (۱۵).

نتیجه این که مقیاس ۲۳ ماده‌ای خودناتوان‌سازی از روایی و پایایی بالایی برخوردار است و با توجه به این که خودناتوان‌سازی راهبردی رفتاری است که می‌تواند روی موفقیت فرد در موقعیت‌های شغلی، تحصیلی و ارتباطی تأثیر

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]
www.mui.ac.ir

منفی داشته باشد و با سازه‌های روان‌شناختی مانند عزت نفس، افسردگی، اضطراب ، اهمال کاری و کمال گرایی نیز رابطه دارد. همچنین مقیاس خودناتوان‌سازی در تشخیص افراد خودناتوان‌ساز در موقعیت‌های مشاوره‌ای، درمانی، تربیتی و پژوهشی کاربرد دارد.

از آن جا که نمونه پژوهش از بین دانشجویان کارشناسی انتخاب شده بود، نتایج پژوهش به لحاظ روایی بیرونی از محدودیت برخوردار بود و تعمیم پذیری نتایج به دانشجویان مقاطع دیگر تحصیلی تأیید نمی‌گردد. همچنین روش‌های مختلف مربوط به بررسی اعتبار و روایی واگر در این پژوهش بررسی نشد.

سپاسگزاری

از کلیه دانشجویانی که به عنوان آزمودنی وقت خود را در اختیار این پژوهش گذاشتند، قدردانی و تشکر می‌شود. همچنین از آقایان دکتر دهقانی و دکتر عابدین اعضای هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی که در ترجمه این مقیاس پژوهشگر را یاری نمودند، سپاسگزاری می‌شود.

References

1. Hobden KL. Behavioral versus claimed self-handicapping: Underlying motivations and attributions following failure. [PhD Thesis]. Toronto: Department of Psychology, University of Toronto; 1997.
2. Berglas S, Jones EE. Drug choice as a self-handicapping strategy in response to noncontingent success. J Pers Soc Psychol 1978; 36(4): 405-17
3. Rosenfarb IS, Aron J. The self-protective function of depressive affect and cognition. Personality and Social Psychology 1992; 11(4): 405-17.
4. Arkin RM, Baumgardner AH. Self-handicapping. In Harvey JH, Weary C, Editors. Attribution: Basic issues and applications. New York: Academic Press; 1985.
5. Abelson RP, Frey KP, Gregg AP. Experiments with People: Revelations From Social Psychology. London: Lawrence Erlbaum; 2003.
6. Snyder CR, Higgins RL. Excuses: their effective role in the negotiation of reality. Psychol Bull 1988; 104(1): 23-35.
7. Kleinke CL, Wallis R, Stalder K. Evaluation of a rapist as a function of expressed intent and remorse. J Soc Psychol 1992; 132(4): 525-37.
8. Taylor SE, Brown JD. Positive illusions and well-being revisited: separating fact from fiction. Psychol Bull 1994; 116(1): 21-7.
9. Schlenker BR, Pontari BA, Christopher AN. Excuses and Character: Personal and Social Implications of Excuses. Personality and Social Psychology Review 2001; 5(1): 15-32.
10. Higgins RL, Snyder CR, Berglas S. Self-handicapping, The Paradox That Isn't. New York: Plenum Publishing Corporation; 1990.
11. Lewis CA. Academic motivation among college students. [Thesis]. Michigan: Wayne state university; 2006.
12. Tice DM. Esteem enhancement or protection? Self-handicapping motives and attributions differ by trait self-esteem. Journal of Personality and Social Psychology.1991; 61: 711-25.
13. Urdan T, Midgley C, Anderman E. The Role of Classroom Goal Structure in Students' Use of Self-Handicapping Strategies. American Educational Research 1998; 35(1): 101-22.
14. Rhodewalt F, Morf C, Hazlet S, Fairfield M. Self-handicapping: The role of discounting and augmentation in the preservation of self-esteem. Journal of Personality and Social Psychology 1991; 61: 122-31.
15. Strube MJ. An Analysis of the Self-Handicapping Scale. Basic and Applied Social Psychology 1986; 7(3): 211-24.
16. Rhodewalt F, Hill SK. Self-handicapping in the classroom: The effects of claimed self-handicaps on sponses to academic failure. Basic and Applied Social Psychology 1995; 16: 397-416.
17. Hirt ER, McCrea SM, Kimble CE. Public Self-Focus and Sex Differences in Behavioral Self-Handicapping: Does Increasing Self-Threat Still Make it "Just a Man's Game? Personality and Social Psychology Bulletin 2000; 26(9): 1131-41.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]
www.mui.ac.ir

18. Ross SR, Canada KE, Rausch ME. Self-handicapping and the Five Factor Model of personality: mediation between Neuroticism and Conscientiousness. Personality and Individual Differences 2002; 32(7): 1137-84.
19. Want J, Kleitman S. Imposter phenomenon and self-handicapping: Links with parenting styles and self-confidence. Personality and Individual Differences 2006; 40(5): 961-71.
20. Hirabayashi KE. The role of parental style on self-handicapping and defensive pessimism in Asian American college students. [thesis]. Los Angeles: University of Southern California; 2005.
21. Heidari M, Dehghani M, Khodapanahi MK. The impact of perceived parenting style and gender on self – handicapping. Journal of family research. [In Press].
22. Greaven SH, Santor DA, Thompson R, Zuroff DC. Adolescent Self-Handicapping, Depressive, and Maternal Parenting Style. Youth and Adolescence 2004; 29(6): 631-46.
23. Jones EE, Rhodewalt F. Self-Handicapping Scale. Salt Lake City, UT: Department of Psychology, Princeton University and University of Utah; 1982. [Unpublished scale].
24. Rhodewalt F. Self-handicapping: Individual differences in the preference for anticipatory, self-protective acts. In: Higgins RL, Snyder CR, Berglas S, Editors. Self-handicapping: The paradox that isn't. New York: Plenum; 1990.
25. Kathleen AM, Lawrence RB. Is the self-handicapping scale reliable in non-academic achievement domains? Personality and Individual Differences 1999; 27(5): 901-11.
26. Martin–Albo J, Nuniez JL, Navarro JG, Grijalvo F. The Rosenberg Self-Esteem Scale: translation and validation in university students. Span J Psychol 2007; 10(2): 458-67.
27. Alizadeh T. A study on the relationship between self-esteem and external-internal locus of control with male/female infertility stress in Tehran. [Master Thesis]. Tehran: Tarbiat Moalem University; 2003.
28. Zuckerman M, Kieffer SC, Knee CR. Consequences of self-handicapping: effects on coping, academic performance, and adjustment. J Pers Soc Psychol 1998; 74(6): 1619-28.
29. Warner S, Moore S. Excuses, Excuses: Self-Handicapping in an Australian Adolescent Sample. Youth and Adolescence 2004;33(4): 271-81.
30. Church M A, Elliot A J, Gable S L. Perceptions of Classroom Environment, Achievement Goals, and Achievement Outcomes. Educational Psychology 2001; 93(1): 43-54.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]

www.mui.ac.ir

Psychometric examination of self-handicapping scale (SHS)

Heidari M[1], Khodapanahi MK[2], Dehghani M[3]

Abstract

Aim and Background: Self-handicapping has been defined as a strategic manipulation of a situation in a way that an individual can claim that obstacles to his/her performance account for a possible failure. Research has shown that some people behave in a way to create impediments to successful achievement, especially when this is important to them. To the best knowledge of authors only one validated scale is developed for measurement of this behavior and that its psychometric properties have not been examined in Iran. As such, the aim of this study is to introduce the scale and evaluate its psychometric properties.

Method and Materials: This research is a descriptive-correlational study with a cluster random sample of 650 undergraduate students from Shahid Beheshti University. Original SH scale (25 items) and Rosenberg Self-esteem Inventory (10 items) were administered. Collected data were analyzed using Pearson correlation, Chronbach Alpha, and exploratory factor analysis.

Findings: Exploratory factor analysis supported a 3-factor (23 items from 25 original items) solution named as "negative mood" (NM), "effort" (E), and "excuse making" (EM). Base on the theory, sum score of "negative mood" & recoded "effort" composes behavioral self-handicapping, and sum score of "negative mood" and "excuse making" reflexes claimed self-handicapping. Chronbach's Alpha for the factors ranged from 0.60 to 0.72 and was 0.77 for the total scoreale. Test retest reliability was 0.84, supporting the reliability of the scale. Correlation between self-handicapping & self-esteem inventory was found to be -0.54 which provides further support for the validity of the scale.

Conclusions: A 23-item self-handicapping scale was psychometrically evaluated in a student population. This version of the scale called "SHS-IR", shows satisfactory psychometric properties. Further research is needed to examine its application in different populations.

Keywords: self-handicapping scale, behavioral self-handicapping, claimed self-handicapping, Psychometric properties.

Type of article: Research

Received: 12.04.2009 *Accepted: 02.08.2009*

1- Lecturer, Department of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.(Corresponding Author).
E-mail: Mahmood.Heidari@Gmail.com.
2- Professor, Department of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3- Assistant Professor, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2025-12-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.3.8]
www.mui.ac.ir